



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۷۵
۱۶ شهریور ۱۳۸۴
۷ سپتامبر ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده



ها و نوشته های متعددی توضیح
داده اید. لطفا بطور مختصر برای
خوانندگان ایسکرا ضرورت تشکیل
این کمیته و محورهای اصلی کار
آن را توضیح دهید .
شهلا دانشفر: همانطور که قبلا
نیز توضیح دادم کمیته سازمانده

ایسکرا: شما دبیر کمیته
سازمانده حزب هستید. قبلا
وظائف این کمیته را در مصاحبه

صفحه ۲

۱۱۰ نفر از کارگران شاهو دستمزد سه ماه خود را دریافت کردند

به دنبال اعتراضات مستمر و
تجمعات متعدد بالاخره ۱۱۰ نفر از
کارگران کارخانه شاهو در سنندج
موفق شدند روز سه شنبه ۱۵
شهریور سه ماه از دستمزدهای
معوقه خود را بگیرند. این ۱۱۰ نفر
میبایست تمام چهارماه دستمزد
معوقه خود را دریافت میکردند. اما

صفحه ۴

خیزشهای شهری در کردستان

وظایف و شیوه برخورد کمونیستها
بخش دوم

صفحه ۳

محمد آسنگران

قدردانی از رفیق منصور فرزاد سردبیر نشریه ایسکرا



منصور فرزاد

پربار و غنی سازند.
از کمکهای خود به ایسکرا دریغ
نورزید . ایسکرا نشریه شما ، صدای
آزادیخواهی و سوسیالیسم است .
مطالب و مقالات خود را به
آدرس سردبیر که در صفحه ۲ درج
شده بفرستید .
با تشکر مجدد از رفیق بسیار
عزیزم منصور فرزاد و آرزوی
موفقیت برای او در مسئولیت
جدیدش .

عبدل گلپریان
۷ سپتامبر ۲۰۰۵

از این شماره ۲۷۵ من
مسئولیت و سردبیری نشریه ایسکرا
را عهده دار خواهم بود. پیشا پیش
از زحمات و تلاشهای مداوم منصور
فرزاد که به مدت یکسال سردبیری
نشریه ایسکرا را بعهده داشت،
صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می
کنم. به این مناسبت در اینجا از
تمامی خوانندگان و قلم بدستان
نشریه ایسکرا تقاضا دارم که
صفحات نشریه را با مطالب،
مقالات و اخبار و گزارشات مربوط
به مسائل سیاسی روز، همچنان

درخواست از نجات یافتگان و بازماندگان قتل عام

شهریور ۱۳۶۷



ماههای مرداد و شهریور
۱۳۶۷ ماشین آدمکشی رژیم
اسلامی یکی از فجیعترین
محصولات خود در تاریخ بشری را
آفرید. آمار دقیقی در دست نیست
اما حداقل بیش از ده هزار نفر در
طی مدت کوتاهی به فرمان مستقیم
خمینی به دار کشیده شدند.
هیات سه نفره فرماندهی کشتار
متشکل از اشراقی، نیری و رازینی
با چند سؤال به سراغ زندانیان رفت.
آیا مسلمانید؟ آیا نماز میخوانید؟

آیا سازمان سیاسی مطبوع خود را
محکوم میکنید؟ آیا با رژیم
اسلامی همکاری میکنید؟ یک

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



مصاحبه با شهلا دانشفر ...

بتوانیم در سطحی اجتماعی و ماکرو نیرو جذب کنیم و نفوذ و محبوبیت حزب را بالاتر بریم. بویژه با جذب رهبران عملی اعتراضات جاری، نفوذ و قدرت بسیج آنها را به نفوذ و قدرت بسیج حزب تبدیل کنیم. طبعاً یک رکن مهم روی آوری به حزب امروز رادیو و تلویزیون است. باید بتوانیم با ایجاد جمع ها و محافلی حول رادیو و تلویزیون نیروهای نزدیک به حزب را جمع کنیم و با کار کمونیستی در میان آنها اعضای هر چه بیشتری به حزب جذب کنیم. بعلاوه اینکه آنچه در کردستان امروز قابل مشاهده است، روی آوری طیف وسیعی از دستداران حزب در جامعه بویژه در میان کارگران و خانواده هایشان است. باید با سازماندهی کردن دستداران حزب بصورت جمع ها و محافل و کار آگاهانه در میان آنها حزب را هر چه توده ای تر کنیم و عضو گیری وسیع کنیم. اینها همه به معنی سازماندهی انبوه و کلان است که به موقعیت امروز حزب ما و اوضاع سیاسی کنونی میتواند پاسخ دهد.

ایسکرا: شما به عنوان یک قدم مهم در ساختار دادن حزب در داخل بر ایجاد حوزه های حزبی تاکید کرده اید، حوزه های حزبی چیست و چگونه باید آنها را تشکیل داد؟

شهلا دانشفر: حوزه سلول پایه ای حزب است که در محیط زیست و کار تشکیل میشود. حوزه ظرفی است که در بستر روابط طبیعی و اجتماعی اعضا و میتواند از ۳ تا ۵ نفر تشکیل شود.

حوزه ها در واقع ظرف انجام فعالیت روتین کمونیستی اعضا و شاخک های حسی حزب در محل هستند. کار حوزه های حزبی تبلیغ، ترویج و سازماندهی است. کار حوزه ها آشنا کردن دیگران با ایده های برابری طلبانه خود و کمونیست کردن آنهاست. کار حوزه ها ایجاد شبکه های توزیع نشریات حزب و جمع آوری کمک مالی است. کار حوزه ها گسترش نفوذ حزب در میان کارگران و جذب اعضای جدید به حزب است. این کارها جزو دائمی و روتین کار حوزه

ها و کار ما کمونیست هاست. وقتی در یک محل، یک حوزه حزبی وجود دارد. حاصل آن باید گسترش نفوذ حزب و گسترش کمونیسم با ایده های آزادیخواهانه و انساندوستانه در آن محل باشد. نتیجه آن باید خود را در مناسبات مردم در آن محل نشان دهد و ما شاهد شکل گرفتن اعتراض علیه بیحقوقی ها، علیه تعرضات رژیم به زنان و جوانان و غیره در آن محل باشیم. این حوزه در محل است که اعتراض سازمان میدهد. جوانان و مردم در محل را حول اعتراض علیه تعرضات رژیم و برای حقوق و مطالباتشان سازمان میدهد و غیره. همین نقش را یک حوزه در یک کارخانه برعهده دارد. حوزه در کارخانه و محل کار تلاش میکند بطور برنامه ریزی شده بر روی خواستها و اعتراضات جاری تاثیر بگذارد و آنها را هدایت کند و تاثیر بر افکار آنان بگذارد. حوزه در بطن فعالیت خود افراد هر چه بیشتری را به حزب جذب میکند. بویژه حوزه تلاش میکند بخش رادیکال و معترض کارگران را به حزب نزدیک و جذب کند.

وجود حوزه در هر کارخانه و در هر محلی به معنی حضور حزب در آنجا و جاری شدن سیاستهای حزب و رشد رادیکالیسم در آن محیط است. بویژه در اوضاع سیاسی امروز حوزه های حزبی به اعتبار جمع شدن رادیکالترین و معترض ترین انسانها در آنها، کانونهای هدایت کننده اعتراضات جاری هستند که اعضای آن در مورد مسایل مربوط به حیطه فعالیت خود برنامه ریزی میکنند و چگونگی هدایت این اعتراضات را وظیفه خود میدانند.

بعلاوه حوزه محلی است که، اعضای حزب در ایران امکان می یابند در مورد مسایل مربوط به حزب خود اظهار نظر کنند و بر روی سوخت و ساز سیاسی حزب تاثیر بگذارند. در بستر چنین فعالیتهای است که اعضای حزب خود هر روز بیشتر با کمونیسم آشنا میشوند و به کادرهای مجرب و توانای حزبی تبدیل میشوند. می بینید بویژه امروز بیش از هر وقت تشکیل حوزه ها در داخل شهرها حیاتی است و به این نیروی وسیعی که امروز حول حزب گرد آمده است ساختار میدهد.

ایسکرا: محافل متعددی در شهرهای کردستان و در محلات و یا در محل کار فعالیت دارند. اعضای برخی از این محافل به چندین ده نفر میرسند و با سیاستها و برنامه حزب کمونیست کارگری آشنا هستند و یا آنها را قبول دارند. آیا این محافل را میتوان حوزه نامید؟

شهلا دانشفر: به نظر من هنوز نه. اینها حوزه نیستند. اینها همانطور که شما نیز تصویر کردید، طیف وسیعی از محافل نزدیک به حزب هستند که در بستر یک شبکه وسیع ارتباطی با هم در تماسند و اساساً در دل مبارزات جاری با هم آشنا شده اند. اما همانطور که اشاره کردید در میان اینها اعضایی از حزب هستند که حزب را می شناسند و با برنامه حزب آشنا هستند. ما میگوییم این اعضا باید حوزه های خود را تشکیل دهند و با فعالیت خود در دل همین روابط محفلی که شما نیز به آن اشاره کرده ای، فعالیت کمونیستی کنند. ایده ها و نظرات حزب را به میان آنها ببرند. آنها را کمونیست کنند و بیشتر با حزب آشنا کنند. با آنها ادبیات پایه ای حزب را بخوانند و آنها را به اعضای حزب تبدیل کنند. بویژه این محافل را در محلات و در میان کارگران و محیط های کارگری میبینیم. فعالیت حوزه ها در محل زیست کمک میکند که این محافل هر چه بیشتر به ما نزدیک شوند و شبکه ای از روابط مبارزاتی در محل شکل گیرد و اتفاقاً زمینه برای سازماندهی اعتراض در محل، ایجاد گروههای جوانان کمونیست در محل و بوجود آوردن شرایط کنترل محلات در دل اعتراضات جاری فراهم گردد. همینطور در میان کارگران و خانواده هایشان میتوان این محافل گسترده نزدیک به حزب را دید. این وظیفه اعضا و کادرهای حزب است که در جمع های کوچک ۴ تا ۵ نفره در این محافل به بحث بنشینند. مباحث و نقطه نظرات حزب را به درون آنها ببرند و تعداد هر چه بیشتری از آنها را کمونیست و عضو حزب کنند.

ایسکرا: فکر نمیکنید که در شهرهای کردستان، زمینه و آمادگی

سردبیر ایسکرا عبدل گلپریان

Tel: 00358 405758250
E-mail:
abdolgolparian@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال ۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر
با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود



محمد آسگران

در بخش اول این نوشته به جایگاه و اهمیت خیزشهای شهری در کردستان و نقش مخرب جریانات ناسیونالیستی از جمله حزب دمکرات کردستان ایران و پژاک پرداختیم. پژاک یک گروه ناسیونالیست افراطی کرد و شاخه ایرانی پ.ک.ک است. در حقیقت همان پ.ک.ک میباید که در کردستان ایران به اسم پژاک فعالیت میکند. در این بخش سعی میکنم نگاهی به موقعیت و جایگاه دیگر جریانات کردستانی بیندازم.

در میان جریانات ملی گرا و قومپرست سازمان زحمتکشان یکی از آن جریانات است که علیرغم تلاش اتحادیه میهنی و جلال طالبانی، به جریانی مطرح در جامعه تبدیل نشد و در میان مردم جایگاهی پیدا نکرد. اما به عنوان یک دارودسته مسلح و با پشتیبانی اتحادیه میهنی کردستان عراق و جلال طالبانی میتواند در مقاطعی ایجاد مزاحمت کند. به همین دلیل باید آن دسته از طرفداران کومله که به دلیل نافع بودن سازمانشان به این جریان تمایل پیدا کرده اند گوشزد کرد که این سازمان دست راستی و دست ساز، بجز تقویت قومپرستی و ایجاد مزاحمت برای مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه مردم و ضدیت با چپ و کمونیسم در کردستان وظیفه دیگری ندارد.

سازمان زحمتکشان در میان جریانات کردستان از پژاک بی ریشه تر و دست سازتر سازمان زحمتکشان است. این جریان با نقشه جلال طالبانی و طبق نقشه از پیش تعیین شده برای تبدیل کردن کومله به یک جریان دست راستی در درون کومله درست شد. اول مهتدی و طالبانی تلاش کردند که کل کومله را به همین جا ببرند که اکنون سازمان زحمتکشان رفته

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها (۲)

است. اما علنی شدن نقشه آنها، با مقاومت بخشی از کادرهای چپ کومله روبرو شد. همان موقع با ترندهای مختلف تلاش کردند کومله را با خود ببرند یا آنرا منحل کنند. نهایتاً با دخالت جریان ما و مقاومت بخشی از کادرهای کومله، اینها ناچار شدند با یک اقلیت کوچک از کومله جدا شوند. البته ناگفته نماند در ابتدای انشعاب از کومله اینها مثل منشعبین ما مدعی بودند که اکثریت کادرهای کومله با آنها رفته اند. اما خودشان بهتر از هر کسی میدانستند که چرا به کنگره نرفتند. در مقطع انشعاب، رهبری کومله آنها را به شرکت در کنگره فراخواند. هنگامی که متوجه شدند در کنگره حتی برای کمیته مرکزی هم انتخاب نمیشوند جدا شدند و اسم کومله را روی خود گذاشتند. تلاش کردند اسم کومله را به سرعت ببرند. در همان اوایل منصور حکمت هشدار داد که نباید اینها صاحب اسم کومله شوند. و اسم سازمان زحمتکشان را اولین بار منصور حکمت در مورد این جماعت بکار برد. در آن دوره کومله مدعی بود که بر سر اسم نمیخواهد با این جریان وارد جدل سیاسی شود. اما در همان اوایل ما هشدار دادیم و در مقابل این جریان دست راستی چندین برابر خود کومله مطلب نوشتیم و موضع گرفتیم. تاثیرات مواضع رادیکال ما بعضاً کمک کرد بخش چپ کومله فرموله تر شود. همچنانکه میبینم اکنون کومله هم به این قناعت رسیده است که اسم مهم است و نباید اسم کومله را به آنها داد. ناگفته نماند بخشی از رهبری کومله در جریان جدایی سازمان زحمتکشان، دلشان با آقای مهتدی و منشعبین از کومله بود و هنوز هم این جماعت در کومله حامل آن سنتها و گرایش هستند. قبلاً در این مورد جریان ما مفصل نوشته است و منصور حکمت یک سمینار انجمن مارکس را به بررسی این جریان اختصاص داد. سازمان زحمتکشان از روز تولدش تا کنون با سیاست قوم

پرستانه و کمکهای بی دریغ جلال طالبانی، تلاش کرده است. از بی تحرکی جریانات دیگر استفاده کند و جای برای خود پیدا کند. اینها تلاش کردند خلا ایجاد شده بوسیله سازمانهای کردستانی را پر کنند و نمایندگی ناسیونالیسم کرد را به عهده بگیرند. برای این کار سفره را پهن کردند و هر خس و خاشاکی که قبلاً به دلیل ناهمخوانی با سیاستهای رادیکال کومله از آن جدا شده بودند، دعوت کردند که به سازمان زحمتکشان تازه ساز بپیوندند. اوایل میان این طیف ناسیونالیست پراکنده و جدا شده از کومله امیدی ایجاد کرد. زیرا قبلاً آنها با رادیکالیسم کومله سر سازگاری نداشتند و فاصله گرفته بودند. اما بعد از مدتی متوجه شدند که این جریان دست ساز هیچ شانس در کردستان ندارد و به همین دلیل اکنون از اینها هم نا امید شده اند.

سازمان زحمتکشان با اتکا به جلال طالبانی چشم امید به درگاه مقامات دست چپ آمریکا بسته است. اینها با توجه به نفرت پراکنی و ضدیتشان با چپ و کمونیسم و باتوجه به تبلیغات قومپرستانه، در کردستان نمیتوانند جایگاه جدی پیدا کنند. زیرا اینها خودشان را در مقابل چپ و کمونیسم در کردستان تعریف و معرفی کرده اند. گرایش کردایتی و ناسیونالیستی در کردستان از قدیم به حزب دمکرات نزدیک بوده است و نمیتوانست به این جریان دست ساز امیدی ببندد. در بعد خارجی هم به دلیل بی پایه بودنشان در کردستان آمریکا اینها را جدی نگرفته است. زیرا میدانند که سازمان زحمتکشان، جایگاه و پایگاهی در میان ناسیونالیسم کرد هم ندارد. سازمان زحمتکشان از همان روز اول تولدش که با کودتای درون حزبی در حزب کمونیست ایران همراه بود، با این امید و با این پز اعلام موجودیت کرد که در خلا رهبری قابل اتکا در بین جریانات ناسیونالیست و میلیتانتان کرد

نقشی بازی کند و نیروهایی را بخود جلب کند. اما این توهم مهتدی و شرکا خیلی زود نقش بر آب شد. اینها متوجه شدند که کم تحرکی حزب دمکرات از انفعالش نیست، از سیاستش ناشی میشود. اینها متوجه شدند که جامعه شهری کردستان واقعا به چپ چرخیده و برای ترهات ناسیونالیستی و عقب مانده و مربوط به گذشته و دوران عشیره و قبیله، تره هم خورد نمیکند. اکنون سازمان زحمتکشان با یک پوسته توخالی و در حاشیه وقایع، به امید اینکه دیدارهایشان با آبدارچی های وزارت خارجه آمریکا، فرجی بشود و دری بر روی این باند باز کند زانو زده و در انتظار نوبت نشسته اند.

خیزشهای اخیر در کردستان و شعارهای رادیکال و انسانی مردم معترض همگی نشان داد که جامعه کردستان پا به مرحله دیگری گذاشته است. مرحله ای که چپ و کمونیسم دست بالا را دارد. جنبش کارگری بیش از همیشه رو آمده و مهر خود را بر وقایع سیاسی و مبارزاتی در کردستان زده است. اما در همین شرایط هم نباید خطر جریانات قومپرست و ناسیونالیست در کردستان را نادیده گرفت.

آنچه قابل پیش بینی است، بورژوازی به کمک احزاب خود، تلاش میکند که با خاک پاشیدن به چشم مردم رنگ و بوی ناسیونالیستی و قومی به این مبارزات بزند. جمهوری اسلامی هم با بزک کردن پژاک و بزرگ نمایی این جریان قومپرست، میخواهد همین کار را انجام دهد. در پایه ای ترین سطح منافع طبقات اصلی جامعه باعث میشود که مسله کشمکش اصلی میان گرایشات کمونیستی و ناسیونالیستی در جامعه به صدر مسایل سیاسی روز رانده شود.

"مستقل از اینکه این احزاب راجع به خودشان چه میگویند، با نگاه کردن به تاریخ واقعی که وجود آنها را ایجاد کرده است و با مشاهده اینکه در جهان مادی اینها عملاً دارند کدام حرکت تاریخی را منعکس میکنند و به جلو میرانند میتوان درباره آنها حکم داد به عبارت دیگر پشت هر کشمکش

سیاسی و حقوقی و عقیدتی، یک کشمکش واقعی طبقاتی وجود دارد، که احزاب سیاسی را باید در چهارچوب و در سایه روشن با این جدالهایی بنیادی ارزیابی و دستبندی کرد. باید این را دید که حزب سیاسی از چه معضل مشخص در تاریخ مادی جامعه مایه گرفته است و به کدام معضل مشخص در آن دارد جواب میدهد. اینکه این حزب چرا وجود دارد، با این تاریخ واقعی چه رابطه ای دارد، آیا نقش مهمی دارد یا خیر، آیا جریانی بالنده یا میرنده است و غیره تماما باید با این متد قضاوت شود"

منصور حکمت جلد ۷

هدایت و پیشبرد مبارز طبقاتی و شیوه برخورد ما به احزاب دخیل در جامعه کردستان هم از این قانونمندی تبعیت میکند. مقابله و حاشیه ای کردن سنت دیرپای ناسیونالیستی در کردستان متکی بر جامعه طبقاتی سرمایه داری و آغشته به سنتهای ماقبل آن، کاری ساده و خطی و مستقیم نیست. عدم درک پیچیدگی این مبارزه برای کمونیستها میتواند به شدت زیانبار باشد. سنتهای جا افتاده ناسیونالیستی که بعضاً جز بدیهیات داده شده جامعه و مبارزه محسوب میشوند، در اکثر مواقع احزاب مدعی چپ را چنان تحت تاثیر قرار میدهند که آگاهانه یا ناآگاهانه این سنتها را از آن خود میکنند و بر مبنای آن وارد میدان سیاست میشوند. اما کمونیستها با شناخت تاریخی از این وقایع، مجاز نیستند که بدون نقد طبقاتی و پراتیکی این سنتها از کنار آنها رد شوند. اگر با یک نگاه سطحی جامعه را نگاه کنید، احزاب دخیل در کردستان، در دو جبهه چپ و راست یا کمونیست و ناسیونالیست قرار دارند. اما این شکل ظاهری نباید مانع از این شود که کمونیسم کارگری جایگاه واقعی و عینی این احزاب را بشناسد و بر آن اساس آنها را قضاوت و به جامعه معرفی کند. پراتیک احزاب و نقشی که در جریان مبارزات مردم و انقلاب ایفا میکنند معیار مهمی در شناخت از آنها است. در ارزیابی از نقش و جایگاه جریانات ناسیونالیست و قوم پرست به اختصار در بالا گفتیم که آنها مشکشان بیگانه بودن با مطالبات

۱۱۰ نفر از کارگران شاهو دستمزد سه ماه خود را دریافت کردند

۲۸ نفر از کارگران اخراجی شاهو که در پی اعتراضات طولانی مدت خود موفق شدند به سر کار برگردند، هنوز دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند. این کارگران به مدت ۸ ماه دستمزدی دریافت نکرده اند. حقوق دوران اخراج و بلا تکلیفی به آنها پرداخت نشده است. این در حالی است که هئیت حل

اختلاف و هئیت تشخیص قبلاً به این ۲۸ کارگر شاهو حق داده بود و کتباً اعلام کرده بود که باید کارگران اخراجی تمام حقوق و مزایای دوران بلا تکلیفی خود را دریافت کنند. این نامه روز ۱۳ شهریور از طرف اداره کار به مدیریت کارخانه شاهو ابلاغ شده است.

این ۲۸ کارگر هنگامی که

دستمزد بخشی از کارگران، کارگران دریافت سه ماه دستمزدهای معوقه خود را یک پیروزی دانستند و جشن گرفتند. کارگران خوشنود بودند که توانسته اند بخشی از دستمزدهای خود را بگیرند. همزمان اعلام کردند که کماکان برای رسیدن به تمام خواسته‌ها یشان اعتراض را ادامه خواهند داد.

کمیته کردستان حزب این موفقیت را به کارگران شاهو تبریک میگوید و همه کارگران شاهو را به اتحاد و یکپارچگی دعوت میکند. کارگران شاهو باید متوجه دسیسه

متوجه شدند دستمزدهای آنها پرداخت نمیشود بلافاصله در مقابل استانداری تجمع کردند و اعلام نمودند که اگر تا فردا چهارشنبه ۱۶ شهریور ساعت ۸ صبح دستمزدهای معوقه آنها پرداخت نشود دست به اقدامات جدی تری خواهند زد. علیرغم سیاست ضد کارگری مدیران کارخانه شاهو برای ایجاد تفرقه در میان کارگران، و نپرداختن

های تفرقه افکنانه مدیر کارخانه و مسئولین دولتی باشند. کارگران تنها با اتحاد و یک پارچگی میتوانند مطالبات خود را به کارفرما و دولت تحمیل کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۵ شهریور ۸۴ - ۶
سپتامبر ۲۰۰۵

asangaran@aol.com
00491633458007

آزاد لطف پور در سنج دستگیر شد

پور، مردم کردستان را فرا میخواند که برای آزادی همه دستگیر شدگان به میدان بیایند. همه دستگیر شدگان اخیر باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۵ شهریور ۸۴ -
۷ سپتامبر ۲۰۰۵

تعداد زیادی از کسانی که در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده بودند هنوز در زندان بسر میبرند. آزاد لطف پور، برهان دیوارگر، رویا طلوعی، اجلال قوامی، مصطفی رسولپور و دهها فعال دیگر از جمله کسانی هستند که هنوز در بازداشتگاههای رژیم اسلامی بسر میبرند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن دستگیری آزاد لطف

آزاد لطف پور یکی از فعالین شهر سنج است که در تحصن جلو استانداری در شهر سنج شرکت کرده بود. آزاد روز دو شنبه گذشته توسط مامورین اطلاعات در سنج دستگیر شد و به جای نامعلومی برده شده است. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی بعد از خیزشهای شهری در کردستان همچنان به دستگیری و اذیت و آزار فعالین ادامه میدهند.

اگر میخواهید!

دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان به پیروزی برسد؛
- اگر میخواهید:
جبهه انسانیت و سکولاریسم و مدنیت، در مقابل حکومت اسلامی، تروریسم اسلامی و میلیتاریسم دولتهای غربی تقویت شود؛
- اگر میخواهید:

پرونده جنایات احمدی نژاد و رفسنجانی و خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی در دادگاههای بین المللی و در دادگاه افکار عمومی مردم جهان گشوده شود و این جانیان به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند؛

- اگر میخواهید مردم ایران هر چه زودتر از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند و به آزادی و برابری و رفاه برسند؛

از حزب کمونیست کارگری ایران حمایت کنید! حزب برای ادامه و بسط فعالیتهايش در عرصه های فوق، برای ادامه کار رادیو و تلویزیون انترناسیونال که صدای شما است، به کمکهای مالی یک یک شما انسانهای شریف و آزادیخواه احتیاج دارد! به ما کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اوت ۲۰۰۵، ۳۰ مرداد
۱۳۸۴

- اگر میخواهید:
احکام سنگسار و اعدام حاجیه اسماعیل وندها، آمنه لاوال ها، افسانه نوروزی ها، کبری رحمانپورها و دهها قربانی دیگر قوانین اسلامی لغو شود؛ سنگسار و اعدام در ایران و در همه جای دیگر متوقف گردد؛

- اگر میخواهید:
ازحاکم شدن قوانین شریعه در کانادا و دیگر کشورهای غربی جلوگیری شود؛ دختر بچه های "خانواده های اسلامی" را حتی در کشورهای غربی در حجاب اسلامی نپسند و فادیمه ها و بیلاها قربانی قتلهای ناموسی نشوند؛

- اگر میخواهید:
با آپارتاید جنسی در ایران و در جوامع اسلام زده مقابله شود و مبارزه برای برابری زن و مرد به پیروزی برسد؛

- اگر میخواهید
از دیپورت زهرا کاملی ها و هزاران انسان پناهنجو و مهاجر دیگر که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند جلوگیری شود و بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در کشورهای غربی پذیرفته شوند؛

- اگر میخواهید:
مبارزه جوانان برای یک زندگی خلاق و سرشار از شادی و آزادی، به پیروزی برسد؛
- اگر میخواهید:
اعتصابات کارگری موفق شوند و مبارزه برای افزایش حداقل

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

شماره حسابهای حزب در زیر درج شده است. کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را فوراً به ما اطلاع دهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:
Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

از صفحه ۱

مصاحبه با شهلا دانشفر . .

بیشتری برای پیشبرد سیاستهای کمیته سازمانده حزبی وجود دارد؟

شهلا دانشفر: من کاملاً با شما موافقم. در شهرهای کردستان هم به لحاظ توازن قوای سیاسی و هم به لحاظ اجتماعی بودن چپ و کمونیسم و تحزب یافتگی و آشنایی و نزدیکی با حزب کمونیست کارگری، برای انجام چنین کاری از شهرهای دیگر ایران جلو تریم. در شهرهای کردستان بیش از هر جا با خیزش های شهری و با اعتراض یکپارچه مردم روبرو بوده ایم و در دل این مبارزات شعارهای چپ و رادیکال نقش برجسته ای داشته است. بطور مثال ما شاهد برگزاری مارش بزرگ اول مه در سنندج بودیم. جنبش آدم برفی ها با شعار دفاع از کودکان را داشتیم. دانشجویان در دانشگاه آزاد سنندج، رئیس دانشگاه را وادار کردند که تابلوهای مبنی بر جداسازی دختران و پسران را پایین بکشند و در نوروز نیز پلاکارد "سال نو سال آزادی زن است" را مردم بلند کردند. اینها همه حاکی از جلو صحنه آمدن بیش از پیش چپ در این شهرها و نفی عملی ناسیونالیسم در اعتراضات جاری است. اینها همه نشانگر وجود توازن قوای سیاسی مناسبتری در شهرهای کردستان است.

همچنین ما امروز شاهد این هستیم که کارگران در شهرهای کردستان به لحاظ اشکال اعتراض، شیوه های پیشرفته تری از اعتراض و مبارزه را بکار میگیرند و بعضاً این اعتراضات به الگویی برای مبارزه در بخش های دیگر کارگری تبدیل شده است. ما شاهد بودیم که برای اولین بار بعد از سالها این

آوری را سازمان داد.

بنابراین در تایید گفته شما ، اکنون در شهرهای کردستان با توجه به همه دلایلی که بر شمرده زمینیه برای ساختار دادن به سازمان حزبی و ایجاد حوزه های حزبی فراهم تر است باید دست به کار شد.

ایسکرا: حوزه های فرا محلی و یا طراز نوین چه نوع حوزه هایی هستند و آیا آنها مجموعه ای از حوزه ها را دربر میگیرد؟

شهلا دانشفر: حوزه های طراز نوین همانطور که شما اشاره کرده اید حوزه هایی فرامحلی هستند. حوزه هایست که الزاماً اعضای آن در یک محل و یا در یک محیط کار قرار ندارند، بلکه آنها یکدیگر را در دل اعتراضات جاری و عرصه های مشخص مبارزاتی پیدا کرده و کنار هم قرار گرفته اند. این حوزه ها در دل شبکه های مبارزاتی کارگری و عرصه های مختلف مبارزاتی مثلاً کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و غیره و غیره شکل گرفته است. در دل یک حرکت سراسری مثلاً جنبش اعتراضی برای خواست ۴۵۰ هزار تومان و یا تشکل یابی سراسری توده ای و نمونه هایی از این نوع بوجود آمده اند. بعضاً حوزه هایست که در راس شبکه های اعتراضی ای قرار دارند که نه تنها از محل زیست و کار فراتر است بلکه یکسر آن در تهران و سر دیگر آن در شهری دیگر است. این حوزه ها در برگیرنده رهبران اعتراضی سراسری این عرصه ها هستند. به اعتبار وجود رهبران عملی و پر نفوذ در این حوزه ها و قدرت بسیج و اتوریته و اعتبار آنها، این حوزه ها از موقعیت اجتماعی محکمی برخوردارند. در واقع این حوزه ها کیفیت جدیدی هستند که در سطوح سراسری تری

نقش ایفا میکنند و میتوانند نیرو بسیج کنند. طبعاً این حوزه ها همانند هر حوزه حزبی دیگر مخفی هستند و رابطه آنها با حزب کاملاً محرمانه است. اما در راس یک اعتراض اجتماعی علنی قرار دارند و افرادی از آنها سخنگویان و رهبران این اعتراضات هستند. ما به اینها حوزه های طراز نوین و یا فرا محلی میگوییم. حوزه هایی که به لحاظ دایره نفوذ و فعالیتشان از حوزه های محل کار و زیست متمایز هستند. بنابراین مشاهده میکنید، با توجه به رشد اعتراضات جاری در جامعه با توجه به زمینیه بهم پیوستن اعتراضات و مردم چندین محل بیکدیگر و اعتراضات فراکارخانه و تلاش برای ایجاد انواع و اقسام تشکلهای سراسری کارگری، از نوع چنین حوزه هایی هر روز بیشتر شکل میگیرد و وجود آنها امکان میدهد که در بعدی سراسری حزب و سیاستهایش را بشناسانیم و کمونیسم را به درون بخشهای هر چه وسیعتری از مردم ببریم.

ایسکرا: علیرغم نظامی کردن شهرها در کردستان رژیم قدرت و تسلط زیادی بر محلات ندارد. منظورم این است که حاکمیت رژیم مدام با مقاومت روبرو میگردد و هر روزه دستورات و قوانین رژیم را مردم و بویژه جوانان زیر پا میگذارند. سئوالم این است از نظر شما کنترل محلات توسط مردم یعنی چه و حوزه ها و فعالین چه نقشی میتوانند در امنیت، رفاه و اتخاذ برنامه هایشان ایفا کنند؟

شهلا دانشفر: به این سؤال من

در سئوالات قبلی مختصری اشاره کردم. در شهرهای کردستان وضعیت دقیقاً همینطور است که شما میگویید. از اینرو حوزه های حزبی در محلات نقش زیادی میتوانند ایفا کنند. توضیح بیشتری میدهم. از نظر من یک حوزه حزبی در جریان کار روتین و کمونیستی خود که بالاتر اشاره کردم، در زمینیه سازماندهی اعتراض در محلات نقش بسیاری میتواند ایفا کند و هدایت کننده این مبارزات باشد. قاعدتاً اعضای یک حوزه افرادی هستند که به اعتبار این که چپ هستند، رادیکال هستند، معترض هستند، حرف دل مردم را میزنند، در مقابل اعتراضات آنها افق و چشم انداز قرار میدهند و در یک کلمه اینها کمونیست هستند. انسانهایی محبوب و با اتوریته اند. به این اعتبار این افراد توانایی این را دارند که جوانان و مردم محل را حول مسایل مختلف مبارزاتی بسیج و سازمان دهند. طبعاً وجود حوزه و رابطه آنها با حزب امری مخفی است. به این معنی که اعضای حوزه

همواره در مورد اینکه کار و فعالیت خود را در محل به پیش ببرند و چگونه اعتراضات مردم در محل را هدایت و سمت و سو دهند مینشینند و برنامه ریزی میکنند. بعد از آن افراد حوزه در تماسهای عادی و اجتماعی خود در محل، جوانان و مردم محل را بر سر اعتراضاتی که دارند هماهنگ و همسو میکنند و آثرا هدایت میکنند. برای این اعتراضات جوانان، زنان و بخش های مختلف مردم را در اشکال مختلف بهم نزدیک و متحد میکنند. انواع و اقسام تشکلهای را ایجاد میکنند. بدین ترتیب در دل سازماندهی اعتراض در محلات قدرت بسیج هر چه بیشتری بدست آورده و عملاً

علیه مسببین و آمرین و عاملین این فاجعه در اختیار ما قرار دهند. سران رژیم اسلامی باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. این خواست مردم آزادیخواه است.

علی جوادی

رئیس مرکز پیگرد سران رژیم به جرم جنایت علیه مردم
۳ سپتامبر ۲۰۰۵

در خواست از نجات یافتگان و بازماندگان قتل عام شهریور ۱۳۶۷

جانبا با مردم چه کردند.

مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی از تمامی نجات یافتگان و بازماندگان قتل عام ۶۷ میخواهد که اطلاعات و اسناد خود را از این فاجعه اسلامی برای تنظیم ادعانامه

کشیده شدند. زندانهای کشور پاکسازی شدند. تابستان ۶۷ یک هلاکاست اسلامی، یک قتل عام

اسلامی بود. مسببین این قتل عام، باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. مردم جهان باید بدانند که این

جواب منفی مترادف با اعدام مرگ بود؟

دسته دسته زندانیان را اعدام کردند. هزاران نفر به جرم انسان بودن، آزادیخواه بودن، کمونیست بودن، مخالف بودن به خاک و خون

Email:

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: 001 310 402
6567

گفتگو با شهلا دانشفر . .

کنترل محلات بصورت سازمانیافته و متشکل بدست مردم در محلات می افتد. آنوقت دیگر نیروهای انتظامی در محلات براحتی نمیتوانند آمد و شد کنند. نمیتوانند دست به خانه گردی و تعقیب و آزار رهبران اعتراضی مردم بزنند و جرات حضور در آنجایی که مردم هستند را ندارند. اینها همه کارهایی است که یک حوزه در یک محل به نسبت ارتباطات اجتماعی اش و به درجه ای که افراد آن از نفوذ و اعتبار اجتماعی بیشتری برخوردار میشوند، میتواند انجام دهد. این یک مبارزه علنی و اجتماعی است که اعضای یک حوزه آنرا به پیش میبرند و در دل آن خود به شخصیت

های شناخته شده و محبوب مردم تبدیل میشوند. اما همانطور که گفتیم وجود این حوزه و رابطه آن با حزب کاملاً مخفی باقی می ماند.

ایسکرا: دامنه محافل بسیار گسترده است و حالا صحبت از شبکه های محافل است. بنظر شما فعالیت این محافل چه ایراداتی داشته و فکر میکنید اگر سیاستهای کمیته سازمانده را در پیش بگیرند تا چه حد قدرت و توان آنها بالا خواهد رفت؟

شهلا دانشفر: درست است دامنه محافل بسیار گسترده است و این سطح از روابط در دل مبارزات جاری

و در نتیجه يك سلسله تلاشها از سوی فعالین کمونیست شکل گرفته و تا اندازه ای قوام یافته است. اما شبکه های محفلی موجود تا داشتن يك ساختار حزبی که بتواند جوابگوی اوضاع سیاسی امروز و موقعیت کنونی حزب باشد فاصله دارند و نسبت به اوضاع کنونی دیگر عقب است. باید از سطح روابط محفلی فراتر رفت. باید اعضای حزب که در دل مبارزه به هم نزدیک شده اند، حوزه های حزبی خود را تشکیل دهند تا با فعالیت کمونیستی و آگاهانه خود، طیف وسیعی از انسانهای رادیکال و معترضی را که گرد خود آورده اند، به حزب نزدیک کنند و بتوانند با جاری کردن سیاستهای حزب در دل این شبکه ها اتوریته و رهبری خط

رادیکال را بر راس اعتراضات جاری حاکم کنند و پایه های گرایشات ناسیونالیستی و راست را سست کنند. به عبارت روشنتر باید اعضای حزب با تشکیل حوزه های حزبی به مثابه کانونهای هدایت کننده و رهبری کننده اعتراضات جاری عمل کنند و در راس شبکه های محفلی موجود قرار گیرند. این امر فوری و عاجل است. در اوضاع متحول کنونی این امر حیاتی است و باید حزب را ساخت.

واقعیت اینست که نقش اعضا در درون شبکه های محفلی کنونی در بسیاری از مواقع فردی است و با ابتکارات شخصی خود فعالیت میکنند. از همین رو برد و کارایی آن کم است. نقشه ای بر آن حاکم

نیست و در بسیاری از مواقع این اعضا بدنبال اتفاقات روانه میشوند و خود مبتکر حرکت و اعتراضی نیستند. همچنین با منحصر شدن کار به شیوه محفلی، کار کمونیستی و جذب اعضای جدید به حزب ضعیف و خود بخودی است. کادر سازی و بار آوردن اعضایی که بتوانند نقش کلیدی تر در پیش بردن فعالیت ها داشته باشند، صورت نمیگیرد و نقش اعضا در سوخت و ساز سیاسی حزب ضعیف است. باید از این مرحله از کار عبور کرد و حزب را هر چه محکمتر ساخت.

*** **

اعدام اسماعیل محمدی و محمد پنجوینی را محکوم میکنیم

است.

ما ضمن محکوم کردن اعدام این دو زندانی سیاسی از همه مردم آزادیخواه میخواهیم که این جنایت را محکوم کنند .

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۸۴ - ۶ سپتامبر ۲۰۰۵

منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، این دو نفر را اعدام کردن فعالین سیاسی و اجتماعی و تحت فشار قرار دادن آنها در کردستان قرار است حاکمیت سیاه حکومت اسلامی را ماندنی کند.

رژیم اسلامی ایران به دنبال سر کار آمدن احمدی نژاد تا کنون بیش از نفر را اعدام کرده است و حکم اعدام تعداد بیشتری را صادر کرده

بر اساس اخبار رسیده رژیم جمهوری اسلامی، اسماعیل محمدی و محمد پنجوینی را به جرم فعالیت سیاسی و مخالفت با رژیم اسلامی در بامداد روز سپتامبر در رضائیه اعدام کرده است.

اسماعیل محمدی سه سال پیش دستگیر و زندانی شد. جمهوری اسلامی به دنبال اعتراضات وسیع مردم در شهرهای کردستان و به

خیزشهای شهری در ...

از صفحه ۳

ناسیونالیستی ای که دارند به چپ جامعه نزدیک میشوند.

جماعت منشعب از حزب کمونیست کارگری یکی از این سازمانها است که تابع نوسانات این تعادل قوا است. اینکه در قدمهای بعدی به کجا سیر میکنند باید دید.

در قسمت بعدی سعی میکنم در این مورد بیشتر بنویسم. ادامه دارد

۶ سپتامبر ۲۰۰۵

واقعی و سطح توقعات مردم است. مشکلشان این است که از جامعه عقب هستند. سیر تحولات رو به پیش جامعه و رشد جریان کمونیستی در کردستان بیش از پیش آنها را به یک موضع کاملاً ارتجاعی و مقابله با مبارزات مردم سوق داده است. اما در میان جریانهای کردستانی سازمانهای چپ و کسانی که خودشان را با هر تفسیری کمونیست میدانند هم حضور دارند. در میان دو قطب اصلی

خالد سواری فعال کارگری در سنندج آزاد شد

قبلاً فعالین کارگری محمد نعمتی و برهان دیوارگر در سنندج و سقز بازداشت شدند* برهان دیوارگر همچنان در زندان سقز میباشد و بشدت تحت فشار قرار دارد این اقدامات سرکوبگرانه رژیم اسلامی باید از جانب همه احزاب و نیروهای مترقی و اتحادیه های کارگری محکوم و مورد اعتراض قرار گیرد*

روز شنبه ۱۲ شهریور ۸۴ طی اطلاعیه ای به اطلاع رسانندیم که خالد سواری یکی از نمایندگان کارگران شاهر در سنندج ساعت ۱۱ صبح بوسیله نیروهای اطلاعات رژیم اسلامی دستگیر شد* خالد سواری بعد از چند ساعت بازجویی و اذیت و آزار و تهدید در بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران عصر امروز شنبه در سنندج آزاد شد*

طی دو هفته گذشته برای چندمین بار فعالین کارگری شاهر در سنندج تحت فشار نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی بوده اند*

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ شهریور ۸۴ -
۳ سپتامبر ۲۰۰۵

از سایت کمیته کردستان دیدن کنید

www.iskraa.org

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!